

Symbology of the Winged Horse in Ancient Iran (case study: A Seals from Buali-Sina Museum in Hamedan)

Katayoun Fekripour¹, Fariba Sharifian²

¹ Associate Professor of Linguistics, Inscriptions and Texts Department of Research Centre of Cultural Heritage and Tourism, (Corresponding Author). E-mail: katayoun.fekripour@gmail.com

² Associate Professor, Department of Linguistics, Inscriptions and Texts, Research Centre of Cultural Heritage and Tourism, E-mail: sushansfar@gmail.com

Abstract

Pegasus is one of the hybrid creatures whose motif has been seen on Sassanid seals, but its history in Iran is much older than the Sassanid period and goes back to the 10th or 9th century. Apparently, in the beginning, the ancients considered the image of a winged horse to be a symbol for carrying the souls of the deceased, whose meaning changed over time and acquired a mythological aspect. Different legends have been told about the creation of this hybrid creature in different civilizations, which we explore in common with the Pegasus' relationship with the supernatural world and gods. Although the legends of the origin of the Pegasus are different in each civilization, there are many similarities in the branch of art. On the back of Greek, Roman and some Parthian coins, the winged horse is mostly seen at a gallop and on Sassanid seals is generally seen with one raised leg. In Iran, the winged horse has been one of the manifestations of the gods Tishtar and Bahram and as a bearer of the Mihr wheel in the Zoroastrian religion. This research aims to answer these questions: What has been Iran's impact on the transfer of Pegasus horses? And what is the relationship between the motif of the winged horse and the religious and mythological beliefs? According to the hypothesis of this research, the Pegasus horse was introduced from Iran to neighboring civilizations such as India, China and Greece, and in the Sassanid period, which is the peak of Zoroastrian religion in Iran, its role was mostly used on seals and sometimes on textiles and dishes, which show the influence of religious beliefs on art. Studies on inscription seals that contain the motif of the winged horse show that the motif of this horse was more used on Mobedan (chaplains) seals. This research was done in a historical-descriptive method and library materials collection.

Keywords: pegasus, seal, mythology, Greek, Sassanid

Receive Date: 31 October 2023	Revise Date: 26 January 2024	Accept Date: 29 January 2024
How to Cite: Fekripour, K. & Sharifian, F. (2024). Symbology of the Winged Horse in Ancient Iran (case study: A Seals from Buali Sina Museum in Hamedan). <i>Ancien Culture and Languages</i> , 4(2), 109-131.		
Publisher: Yadegare Bastan Research Center for Ancient Culture and Languages		

نماد شناسی اسب بالدار در ایران باستان (مطالعه موردی: مَهْرُ از موزه بوعلی سینای همدان)

کتایون فکری پور^۱، فریبا شریفیان^۲

^۱دانشیار پژوهشکده زبان شناسی، کتیبه‌ها و متون، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، (نویسنده مسئول).

katayoun.fekripour@gmail.com

^۲دانشیار پژوهشکده زبان شناسی، کتیبه‌ها و متون، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. sushansfar@gmail.com

چکیده

یکی از نقوش به جا مانده بر مهرهای ساسانی نقش اسب بالدار است که پیشینه آن در ایران بسیار کهن‌تر از دوران ساسانی است و به قرن ۱۰ یا ۹ ق.م برمی‌گردد. در ابتدا تصویر اسب بالدار را نشان از مرکبی برای حمل روح درگذشتگان می‌دانستند که مفهوم آن به مرور زمان تغییر و جنبه اسطوره‌ای یافت. وجه اشتراک اساطیر متفاوت درباره خلقت این موجود ترکیبی در تمدن‌های مختلف، ارتباط اسب بالدار با عالم ماورائی و ایزدان است. علیرغم تفاوت‌ها در اساطیر پیدایش اسب بالدار، شباهت‌های زیادی در آثار مختلف هنری وجود دارد. نقش اسب بالدار پشت سکه‌های یونانی، رومی و بعضی از سکه‌های اشکانی و روی مهرهای ساسانی آمده است. در ایران اسب بالدار به عنوان یکی از جلوه‌های ایزدان تیشتر و بهرام و به عنوان حمل‌کننده گردونه مهر در دین زردشتی بوده است. پرسش‌های این پژوهش عبارتند از: تأثیر ایران در انتقال درون‌مایه اسب بالدار چیست؟ ارتباط میان نقش اسب بالدار با باورهای دینی و اساطیری چیست؟ بر اساس فرضیه این پژوهش اسب بالدار از ایران به تمدن‌های همسایه راه پیدا کرد و در دوره ساسانیان، نقش آن بیشتر بر روی مهرها و گاهی بر روی پارچه‌ها و ظروف استفاده شد که تأثیر باورهای دینی بر هنر را نشان می‌دهد. مطالعات انجام شده بر مهرهای کتیبه‌داری که حاوی نقش اسب بالدارند، حاکی از آن است که نقش این اسب بر روی مهرهای موبدان کاربرد بیشتری داشته است. پژوهش فوق به روش تاریخی-توصیفی و به شیوه گردآوری مطالب کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: اسب بالدار، مَهر، اساطیر، یونانی، ساسانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲ / ۸ / ۹	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲ / ۱۱ / ۶	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲ / ۱۱ / ۹
استناد به این مقاله: فکری پور، ک. و شریفیان، ف. (۱۴۰۲). نماد شناسی اسب بالدار در ایران باستان (مطالعه موردی مَهْرُ از موزه بوعلی سینای همدان). پژوهشنامه فرهنگ و زبان‌های باستان، ۴(۲)، ۱۰۹-۱۳۱.		
ناشر: مؤسسه پژوهشی فرهنگ و زبان‌های باستانی یادگار باستان		

مقدمه

واژه اسب در اوستایی *aspa-* (Bartholomae, 1961, p. 216)؛ در فارسی باستان: *aspa-* و در فارسی میانه *asp* (Mackenzie, 1986, p. 12) است. اسب در دوره‌های مختلف همواره به عنوان مرکب جنگجویان و قهرمانان، نماد شجاعت، قدرت و سرعت بوده است. در هزاره دوم ق.م این حیوان در منطقه خاورمیانه، هند و مصر توسط آریایی‌های مهاجم شناخته شد و در میان اقوام هندواروپایی جایگاه ویژه‌ای در هنر به دست آورد (گیرشمن، ۱۳۹۰ الف، ص. ۱۱). در اساطیر کشورهای مختلف برای اسب خاصیت‌های برکت‌بخشی، درمان‌بخشی و پیشگویی قائل بودند (قلی‌زاده، ۱۳۹۲، ص. ۵۲). گردونه خدایان در اقوام مختلف توسط اسب کشیده می‌شد (هال، ۱۳۹۰، صص. ۲۴-۲۵).

اسب در باور ایرانیان باستان قابل ستایش و از جایگاه بالایی برخوردار بوده است. آزادی، سرعت، انرژی، جنگ، هوش، غرور، اندام زیبا و زمان از معانی رمزی این حیوان است (جابر، ۱۳۷۰، ص. ۱۵؛ دادور و مبینی، ۱۳۸۸، ص. ۵۳). در کتیبه‌های فارسی باستان (*DSf, DZc AmH, AsH, DSp*) از سرزمین پارس به عنوان دارنده اسبان خوب (*uvaspa*) یاد می‌شود. کاربرد پرسیامد نام این حیوان در *اوستا* و ترکیبات اسمی همراه با اسب از اهمیت آن در باورهای دینی و اساطیری ایرانیان باستان حکایت می‌کند (قلی‌زاده، ۱۳۹۲، ص. ۴۸). در دین یشت بند ۱۰، زردشت از اهوره مزدا طلب اعطای نیروی بینایی اسب را می‌کند. در *اوستا* ایزدان یا خود به پیکر اسب بالدار در می‌آیند یا سوار بر گردونه‌ای می‌شوند که چهار اسب بالدار آن را می‌کشند. در *اوستا* (بهرام یشت بند ۹) ایزد بهرام به ده کالبد در می‌آید که کالبد سوم آن، اسب سفید زرین گوش زرین لگام است. در تیشتر یشت (بند ۱۸)، ایزد تیشتر در سه کالبد مجسم می‌شود که اسب سفید زرین گوش و زرین لگام سومین کالبد آن است. در زامیاد یشت (بند ۲۹) و رام یشت (بند ۱۲)، تهمورث دیوبند، اهریمن را به شکل اسب درمی‌آورد و سی سال سوار بر او بر زمین می‌تازد. گردونه مهر یکی از بزرگ‌ترین ایزدان ایران باستان را چهار اسب سفید بالدار می‌کشد (مهریشت: بند ۱۲۵) که در هوا پُرآن‌اند (مهریشت: بند ۶۸). ایزد سروش گردونه‌ای با چهار اسب سفید بالدار دارد (یسن ۵۷: بند ۲۷). در *اوستا*، ایزد حامی چهارپایان و ایزد توانایی، با اسب‌های زرین شده توصیف شده است (درواسپ یشت: بندهای ۱-۲). در *اوستا* هر جا صحبت از شجاعت و دلیری به میان آمده، نام اسب نیز به آن پیوند خورده است؛ چنانچه سپاهیان برای رسیدن به اسبان تندرو و برتری در «فر» برای ایزد اردویسورانهیتا به نیایش می‌پردازند (آبان

یشت: بند ۸۶) و در نماز و ستایش از «درواسپ» اسب‌های قوی و سالم می‌خواهند (قلی‌زاده، ۱۳۹۲، ص. ۶۵؛ دوستخواه، ۱۳۸۶).

صفت خورشید در *اوستا* بارها به صورت «تیز اسب» آمده است (یسن ۱: بند ۱۱، یسن ۶۸: بند ۲۲، خورشید یشت: بندهای ۱-۷، مهر یشت: بند ۱۳). اپام نیات، یکی از ایزدان مرتبط با آب، ملقب به صفت «تیز اسب» است (زامیاد یشت: بند ۵۱؛ یسن ۲: بند ۵). اسب در اساطیر به رنگ سفید و مشکی آمده و اسب سفید در همه فرهنگ‌ها از ارزش ویژه‌ای برخوردار بوده است. در *اوستا* نیز ایزدان تیشتر و بهرام اسب بالدار سفید و اپوش دیو، اسب بالدار سیاه‌رنگ‌اند (دوستخواه، ۱۳۸۶، صص. ۳۳۴ و ۴۳۳). از یک سو پیوستگی مفهوم اسب بالدار با ایزدانی چون مهر و تیشتر در *اوستا* بر مفاهیم دینی و اساطیری آن در دوران ساسانی تأکید دارد و از سوی دیگر به تصویر کشیده شدن این حیوان در آثار هنری این دوره از ظروف و گچبری‌ها گرفته تا مهرهای ساسانی خود به نوعی نشان دهنده اهمیت دین زردشتی در این زمان است. جالب توجه است که دارندگان مهرهای منقوش به اسب بالدار یا از طبقه دین‌مردان بوده‌اند یا به نوعی با مفاهیم اساطیری اسب بالدار مانند پیروزی ارتباط داشته‌اند مانند «اسب‌بد» به عنوان فرمانده سواره نظام در دوره ساسانی که با ایزد بهرام در ارتباط است. در مهر مورد مطالعه این مقاله نیز نمادهایی وجود دارند که خود تأییدی بر ادعای ارتباط نقش اسب بالدار و مفاهیم دینی‌اند.

پیشینه تحقیق

درباره اسب بالدار یا پگاسوس یونانی پژوهش‌هایی به صورت پراکنده انجام شده است. از آن جمله می‌توان به مطالبی در *دائرة المعارف‌ها و کتاب‌های اساطیر یونان و روم* اشاره کرد: اسمیت (۱۳۸۴)، هال (۱۳۹۰)، کوپر (Cooper, 1987)، لوک و مونیکا رومن (Roman, 2010)، دیلی (Daly, 2009). تورج دریایی (۱۴۰۰) مقاله‌ای تحت عنوان «اسب‌های بالدار» در *مجله بخارا* منتشر کرده است که اطلاعات مفیدی درباره این موجود اساطیری در اختیار ما قرار می‌دهد. سید مهدی موسوی کوهپر، سجاد نوید و جواد نیستانی (۱۳۹۲)، به اختصار به نقش اسب بالدار بر روی بشقاب ساسانی در مقاله خود اشاره کرده‌اند. نقش اسب بالدار بر برخی از مهرهای ساسانی نقر شده است که نخستین مطالعات جدی بر روی آنها توسط هورن و اشتایندورف (Horn & Steindorff) در سال ۱۸۹۱ با پژوهش بر مجموعه مهرهای موزه برلین آغاز شد و در این میان ۱۴ مهر با تصویر اسب بالدار، بررسی و در کتاب

نمادشناسی اسب بالدار در ایران باستان (مطالعه موردی: مهری از موزه بوعلی سینای همدان) ۱۱۳

آنها به چاپ رسید. هارپر (Harper, 1973) توضیحاتی درباره نقش مایه اسب بالدار در مجموعه قصر ابونصر می‌دهد. بیوار (Bivar, 1969) مهرهای ساسانی موزه بریتانیا را معرفی کرده‌است که در بین آنها مهر منقوش به اسب بالدار نیز دیده می‌شود. در میان مجموعه گل مهرهای تخت سلیمان که توسط گوبل (۱۳۸۴) بررسی شدند، تعداد ۲۰ اثر مهر با تصویر اسب بالدار بدست آمد که نسبت به سایر نقش‌مایه‌های مربوط به موجودات اساطیری از تعداد بیشتری برخوردار است. برونر (Brunner, 1978) در تلاشی ارزشمند پژوهش خود بر مهرهای ساسانی موزه متروپولیتن را با طبقه‌بندی نقش مایه‌های مختلف ارائه کرده و به اختصار به نقش اسب بالدار نیز پرداخته است. ژینیو و گیزلن (Gignoux & Gyselen) در پژوهش‌هایی که بر روی مهرهای ساسانی انجام داده‌اند، مهرهایی با نقش مایه اسب بالدار را در کنار دیگر مهرها معرفی کرده‌اند که از میان آثارشان در این زمینه می‌توان به *Bulles et sceaux* و *Sceaux Sasanides de diverses collections privées* در سال ۱۹۸۲ و *Sassanides de diverses collection* در سال ۱۹۸۷ اشاره کرد. دادور و مبینی (۱۳۸۸)، همچنین دادور و منصوری (۱۳۸۵) نگاهی کلی به موجودات ترکیبی داشته و به طور ضمنی به اسب بالدار اشاره کرده‌اند. مصطفی اختصاصی و خانمرادی (۱۴۰۰) در کتاب *مهرهای ایران در دوران تاریخی*، طبقه‌بندی کلی از مهرهای هخامنشی تا ساسانی دارند و به مهرهای منقوش به اسب بالدار نیز در میان مهرهای ساسانی اشاره کرده‌اند. گیزلن (Gyselen, 2007) مهرهای مجموعه سعیدی را مورد پژوهش قرار داده و چند نمونه گل مهر با تصویر اسب بالدار را معرفی کرده‌است. در پژوهش حاضر مهری منقوش به اسب بالدار که در موزه بوعلی سینای همدان نگهداری می‌شود، برای نخستین بار معرفی و مورد مطالعه قرار گرفته است.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، از نظر هدف بنیادی و از جهت ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی و مقایسه‌ای بوده و شیوه گردآوری اطلاعات نیز، اسنادی و بر پایه منابع مکتوب استوار است. رویکرد پژوهش در این مقاله نمادشناسی نقش اسب بالدار بر مهر معرفی شده از موزه بوعلی سینای همدان، همراه با مقایسه تطبیقی آن در هنر ایران و یونان، و تحلیل کتیبه حک شده بر مهر است.

پرسش‌ها و فرضیات

پرسش‌های این پژوهش عبارتند از: تأثیر ایران در انتقال درون مایه اسب بالدار چه میزان بوده و ادعای ایجاد این درون مایه برای نخستین بار در ایران تا چه اندازه مستند است؟ چه ارتباطی میان نقش اسب بالدار با باورهای دینی و اساطیری وجود دارد؟ بر این اساس، فرضیه این پژوهش راه‌یابی نقش اسب بالدار از ایران به تمدن‌های همسایه است که از روی قدمت نقش اسب بالدار بر روی اشیا می‌توان به این حقیقت دست یافت. از سویی دیگر، با توجه به ارتباط این نقش مایه با ایزدانی چون تیشتر و بهرام در دین زردشتی، در قالب تجسم‌های آنان، و با در نظر گرفتن مضمون کتیبه‌های حک شده در حاشیه این نقش مایه بر مهرهای ساسانی، این فرضیه مطرح می‌شود که نقش اسب بالدار بیشتر بر روی مهرهای متعلق به دین مردان ساسانی و سپس اسب‌بدان به کار می‌رفته است و اهمیت یافتن دین زردشتی در دوره ساسانیان بر گسترش آن بر روی مهرهای این دوره مؤثر بوده است.

اسب بالدار در اساطیر و هنر هند، یونان و روم

جایگاه مهم اسب در میان آریایی‌ها از روزگاران کهن مورد توجه بوده است. سرعت و شتاب این حیوان نسبت به سایر حیوانات باعث شد تا بشر جایگاه ویژه‌ای را در زندگی خود به اسب اختصاص دهد و تصورات خود را چنان بپراند که منتهی به بالدار کردن آن در اساطیر و باورهای خود شود. اسطوره پیدایش اسب بالدار در هند و یونان متفاوت است. در متن هندی باستان *اشو/شاسترا* آمده است: اسبان در ابتدا با بال متولد شدند و بسیار سرکش و شکست ناپذیر بودند؛ اما ایندره برای از بین بردن قدرت زیاد آنها از شالیه‌ترا، دانای هندی، می‌خواهد که بال آنها را بردارد و به همین دلیل اسبان بدون بال بر روی زمین حرکت می‌کنند (دریابی، ۱۴۰۰، ص. ۱۸۶). در ریگ ودا اسب‌های قهرمانان هندی، «اشوین»‌ها، همراه با صفت‌هایی چون بالدار، سودرساننده، خستگی ناپذیر و نابود کننده دشمنان آمده‌است. اشوین‌ها به کمک اسب قرمز رنگ و بالدار به نام «بهوگیوس» نجات می‌یابند. یکی از اسبان معروف بالدار در اساطیر ریگ ودا «ددهی‌کرا»^۱ است که همانند پرنده و عقابی حمله‌ور، توصیف شده است. اسب بالدار دیگر «تارکشیه»^۲ است که اسبی آسمانی با پرواز بی‌نقص

¹ Dadhikrā

² Tārکشya

نمادشناسی اسب بالدار در ایران باستان (مطالعه موردی: مَهْری از موزه بوعلی سینای همدان) ۱۱۵

است و در ادبیات متأخر او را با پرنده‌ای به نام «گرودا» یکی دانسته‌اند. توصیف اسب اساطیری «پئیدوه»^۱ در ودا به صورت اسبی سفید رنگ و شایسته ستایش است که به آسمان‌ها دست می‌یابد. همچنین در ادبیات هندی درباره کشیدن گردونه خدایان توسط اسب‌های بالدار نیز داستان‌هایی ذکر شده است (قلی‌زاده، ۱۳۹۲، صص. ۵۰-۵۴). تصویر اسب بالدار بر روی سنگ نگاره‌های هند قابل مشاهده است (تصویر ۱).



تصویر ۱: اسب بالدار بر روی سنگ نگاره، ایالت کرنا‌تکه هند (Fekripour, 2016, P. 588)

در یونان هم اساطیر متعددی درباره ظهور اسب بالدار یا پگاسوس در یونانی، وجود دارد. گاهی گفته می‌شود قهرمانی به نام پرسئوس،^۲ مدوزا^۳ را گردن می‌زند و از خون او اسب بالدار سپیدی به وجود می‌آید که مرکب پرسئوس می‌شود و برای نجات آندرومدا^۴ شاهزاده خانم حبشی می‌رود (هال، ۱۳۹۰، ص. ۲۷). در اسطوره‌ای دیگر اسب بالدار زاده مدوزا و پوزیدون، خدای دریای یونان، است (اسمیت، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۹). در جایی دیگر، پوزیدون در مبارزه با آتنا بر فراز آکروپولیس، آتنا را با نیزه سه شاخه خود بر زمین می‌زند و از محل نیزه اسبی بیرون می‌رود (هال، ۱۳۹۰، ص. ۲۷). پگاسوس، بلروفون^۵ را برای نبرد با هیولایی به نام کیمری، بر پشت خود حمل می‌کند (Daly, 2009, p. 111). همچنین

^۱ Paidva

^۲ Perseus پسر دانائو و زئوس (هال، ۱۳۹۰، ص ۳۴۴)

^۳ Méduse / Medusa دختر خدایان دریا فورکوس و کتو و یکی از سه خواهر گورگون از ایزدانوان نخستین بود که در میان آن سه نفر، تنها مدوزا فانی بود (اسمیت، ۱۳۸۴، ص. ۳۲۷؛ Dixon Kennedy, 2011, p. 348).

^۴ Andromeda

^۵ Bellerophon پسر شاه گلاتوکوس اهل افورا (Dixon Kennedy, 2011, p. 141).

آمده‌است آتنا به بلروفون افساری جادویی می‌دهد تا پگاسوس را هنگام نوشیدن آب از چشمه، اسیر کند. در حکایتی دیگر، بلروفون سوار بر پگاسوس با آمازونیان می‌جنگد و آنها را و هیولایی به نام کیمیری را شکست می‌دهد (موسوی کوهپیر و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۴). بلروفون سوار بر پگاسوس به سوی کوه المپ جایگاه خدایان می‌رود و زئوس را در پرتاب رعد و برق یاری می‌رساند. طبق اسطوره‌ای دیگر در یونان، پگاسوس وظیفه صاعقه را بر عهده داشته و بر اثر ضربه سم او بر کوه هلیکون، چشمه هیپوکرنه به وجود آمده‌است (رستگار فسایی، ۱۳۸۳، ص. ۴۵۳؛ Roman & Daly, 2009, P. 111). کهن‌ترین تصویر اسب بالدار با بال‌های حلقه‌ای بر روی سکه‌های یونانی مربوط به ۶۲۵-۵۸۵ ق.م. (تصویر ۲) و بر روی قطعه سفالی متعلق به ۵۱۰-۵۳۹ ق.م است (تصویر ۳). به طور کلی نقش اسب در یونان نشانه یکی از خدایان زیرزمینی بوده و به مفهوم مرگ نزدیک است. نقوش روی سفال یونانی بسیار شبیه نقوش سفال ایرانی است و احتمال آن می‌رود که یکی از الهام‌دهندگان هنر یونان از ربع سوم قرن ۸ ق.م.، هنر ایران بوده باشد (گیرشمن، ۱۳۹۰ الف، صص. ۳۳۲-۳۳۳).



تصویر ۲: اسب بالدار در سکه استاتر یونانی، حدود ۵۶۰ ق.م - (<https://coinweek.com/pegasus-on-ancient-greek-coins/>)

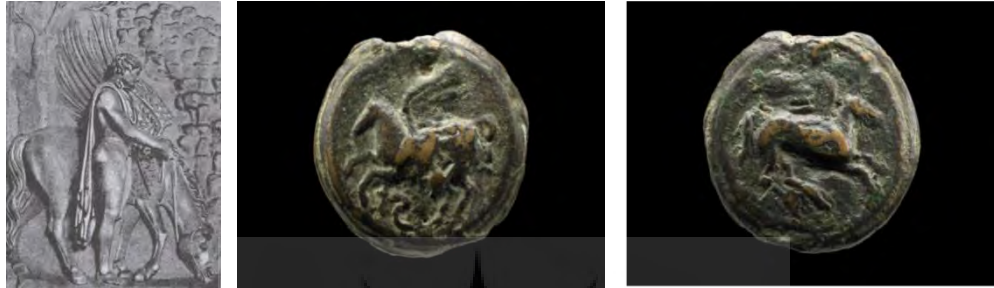


تصویر ۳: سمت راست، اسب بالدار، روی قطعه‌ای از سفال احتمالاً کوزه، ۵۳۰-۵۱۰ ق.م، شرق یونان، موزه بریتانیا (AN1896-1908-G.130.2)؛ سمت چپ، قطعه سفال، ۵۴۰-۵۳۰ ق.م، یونان، موزه بریتانیا (1888,0601.595)

(<https://www.britishmuseum.org/collection/search?keyword>)

نمادشناسی اسب بالدار در ایران باستان (مطالعه موردی: مَهْرِي از موزه بوعلى سيناى همدان) ۱۱۷

نقش اسب بالدار در سکه‌ها، نقش برجسته‌ها، مجسمه‌ها و ظروف رومی مشاهده می‌شود که در آنها بال‌های اسب به زیبایی به تصویر کشیده شده‌است (تصویر ۴). این نقش از اساطیر تراکسن الهام گرفته و از یونان وارد فرهنگ روم شده است (دریایی، ۱۴۰۰، ص. ۱۷۹).



تصویر ۴: سمت راست سکه مسی رومی، پشت و روی سکه نقش اسب بالدار، ۲۷۰-۲۷۵ ق.م، موزه بریتانیا ([https://www.britishmuseum.org/collection/search? R.12182](https://www.britishmuseum.org/collection/search?R.12182))؛ سمت چپ بلروفون و اسب بالدار کاخ اسپادا، روم، سده اول میلادی (اسمیت، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۱)

اسب بالدار در هنر ایران

ایرانی‌ها و یونانی‌ها در دوره‌های نزدیک به هم موضوع‌های اساطیری خود را در قالب هنر به تصویر کشیدند. این تصاویر در یونان، نخست، بر روی سنجاق‌ها و سپس بر سفال‌ها به نمایش در آمد و در ایران موضوع‌های اساطیری ابتدا روی سفال و سپس اشیای فلزی نشان داده شدند (گیرشمن، ۱۳۹۰ الف، ص. ۷۴). درباره انتساب خاستگاه شرقی برای تصویر اسب بالدار توافق هست و به نظر می‌رسد ایران خاستگاه آن بوده باشد. در ایران کهن‌ترین اثر کشف شده با تصویر اسب بالدار مربوط به سفال بدست آمده از تپه سیلک کاشان است (تصویر ۵). به نظر می‌رسد که تصویر اسب بالدار از ایران به آشور راه یافته و بعدها در میان یونانی‌ها به حیوانی آسمانی و ملکوتی تبدیل شده‌است. از این رو احتمال می‌رود، بر همین اساس، شیء نذری منقوش به اسب بالدار به الهه آتنا^۱ در معبد مسجد سلیمان، هدیه داده شده باشد (Ghirshman, 1976, P. 89).

^۱ در اساطیر یونان آتنا الهه جنگ و حامی قهرمانان و جنگجویان بود که افسار و نیش برای مهار اسب را اختراع کرد و کسی بود که پگاسوس را برای بلروفون رام کرد (Magub, 2018, P. 219).



تصویر ۵: سفال بدست آمده از سیلک با تزیین اسب بالدار و سوارکار، قرن ۱۰ تا ۹ ق.م (گیرشمن، ۱۳۹۰ الف، ۲۰۵).

به طور کلی اسب گاهی نماد خورشید بود و گردونه آن را می‌کشید و گاهی نماد مرگ به شمار می‌رفت و روان متوفی را حمل می‌کرد. گیرشمن معتقد است که در دوره باستان اسب به منظور حمل روح مرده به دنیای دیگر همراه با متوفی دفن می‌شده است. مطالعات بر نقوش به دست آمده از این تپه نشان می‌دهد که تصویر اسب بالدار روی سفال نیز برای نشان دادن مرکبی برای حمل ارواح درگذشتگان بوده است (گیرشمن، ۱۳۹۰ الف، ص. ۱۴). نقش اسب بالدار به صورت فلکی فرس اعظم (اسب بالدار) نیز بازنمایی شده است (اکرم، ۱۳۸۷، ص. ۹۸۳).

در لرستان سر سنجاق و لگام‌های مفرغی پیدا شده است که در میان آنها نقش اسب بالدار نیز به چشم می‌خورد (تصویر ۶) این لگام‌ها که در گورها و در زیر سر مردگان پیدا شده‌اند، به قرن ۸ تا ۷ ق.م مربوط می‌شوند (گیرشمن، ۱۳۹۰ الف، ص. ۶۱).



تصویر ۶: لگام مفرغی لرستان، قرن ۸ تا ۷ ق.م (گیرشمن، ۱۳۹۰ الف، ص. ۳۷۵)

در نقش برجسته‌ها و اشیای دوره هخامنشی نقش گاو بالدار، ابوالهول بالدار، شیردال، بز بالدار یا شیر بالدار بسیار مشاهده می‌شود، اما اسب بالدار در تعداد اندکی از مهرهای هخامنشی نقش بسته است

نمادشناسی اسب بالدار در ایران باستان (مطالعه موردی: مهری از موزه بوعلی سینای همدان) ۱۱۹

(تصویر ۷). اسب در هنر هخامنشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است و در نقش برجسته‌ها، اشیای مفرغی، سفالی و یا ساخته شده از طلا و همچنین مهرها بسیار دیده می‌شود. تعدادی سکه در سده چهارم ق.م در غرب آسیای صغیر یافت شده که در پشت سکه تصویر اسب بالدار نقش بسته است. این سکه‌ها که از نوع نقره یا مفرغاند توسط ساتراپی‌های هخامنشی ضرب شده‌اند. به عنوان مثال از اسپتريداتس (۴۰۰-۳۳۰ ق.م.) ساتراپ ایونیه و لیدیه سکه‌هایی بدست آمده که روی سکه تصویر سر وی و پشت سکه تصویر اسب بالدار نقر شده است (تصویر ۸).



اسب بالدار روی گل مهر هخامنشی (Garrison & Cool Root, 2001, pl. 65, PFS 99)



تصویر ۸: سکه اسپتريداتس ساتراپ هخامنشی ایونیه و لیدیه (<https://www.numisbids.com/n.php>)

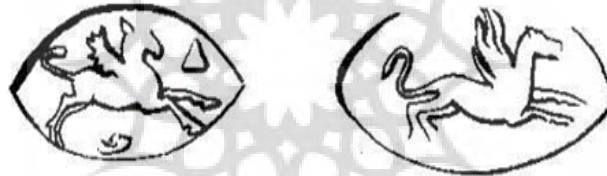
سلوکوس دوم در نیمه قرن دوم ق.م در ضرابخانه انطاکیه در سوریه سکه‌هایی ضرب کرد که پشت سکه تصویر پگاسوس رو به سمت چپ نقر شده بود. پس از کشف پلاک برنزی منقوش به تصویر اسب بالدار (تصویر ۹)، از دوره سلوکی در معبد بزرگ مسجد سلیمان، که شاید قسمتی از قلاف یک شمشیر بوده است، گیرشمن نتیجه گرفت که این حیوان اسطوره‌ای با معبد آتنا مرتبط بوده است (Magub, 2018, P. 219; Ghirshman, 1976, P. 88). در دوران هلنی، هم‌دوره با پلاک مذکور، تصویر اسب بالدار یک موضوع تزئینی برای اسلحه‌ها به شمار می‌آمده و حتی بر روی کلاه خود آتنا نیز نقش بسته است (Ghirshman, 1976, P. 88). از دوران سلوکیان در محوطه باستانی اوروک در ناحیه میانرودان چندین اثر مهر بر روی الواحی به خط میخی بابلی متأخر وجود دارد که روی بعضی از آنها تصویر

۱۲۰ دو فصل‌نامه علمی پژوهشی *نامه فرهنگ و زبان‌های باستانی* سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

اسب بالدار به چشم می‌خورد (نیکنامی و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۱). به نظر می‌رسد نقوش اثر مهرهای سلوکی اوروک، به‌ویژه نقش اسب بالدار متأثر از هنر یونانی باشند. در بیشتر این نقوش، اسب بالدار در حالت پرواز حک شده است (تصویر ۱۰)



تصویر ۹: پلاک با نقش اسب بالدار، مسجد سلیمان (Ghirshman, 1976, II, pl. xcvi)



تصویر ۱۰: اثر مهر سلوکی با نقش سب بالدار، میانرودان، موزه بریتانیا، شماره B.M 105200
(https://www.britishmuseum.org/collection/search?museum_number=105200)

اشکانیان، که پس از سلوکیان به سلطنت رسیدند، از هنر ایرانی در کنار هنر یونانی استفاده کردند. اختلاط عناصر هنری با موضوعات ایرانی در کنار هنر مغرب زمین، در آثار به‌جای مانده از آن دوران مشهود است (گیرشمن، ۱۳۹۰، ص. ۲۹). حالت‌های اسب بالدار در آثار این دوره یکنواختی کمتری دارد. نقش اسب بالدار پشت سکه‌های مهرداد دوم و سوم فرهاد سوم، ارد دوم مشابه سکه‌های سلوکی است (تصویر ۱۱، الف و ب). تصویر اسب به صورت چهار نعل با پاهای جلویی برافراشته از روی زمین، مشابه تصویر روی سکه‌های آنتیوخوس اول و اوتیدموس اول است که در ناحیه بلخ و مناطق مجاور ضرب شده بود با این حال تغییرات احتمالی در مفهوم کاربردی آن نسبت به زمان هلنی مشخص نیست (Maghub, 2018, pp. 226, 228).

نمادشناسی اسب بالدار در ایران باستان (مطالعه موردی: مهری از موزه بوعلی سینای همدان) ۱۲۱



تصویر ۱۱: الف. اسب بالدار پشت سکه مهرداد دوم، موزه بریتانیا، شماره 1901,0706.39؛ ب. اسب بالدار پشت سکه

مهرداد سوم، ۵۷-۵۴ق.م، موزه بریتانیا، شماره OR.8478

(<https://www.britishmuseum.org/collection/search?keyword=.39>)

پس از اشکانیان و با روی کار آمدن ساسانیان، اسب بالدار تبدیل به یکی از نقش‌های نمادین دوره ساسانی می‌شود که برخلاف دوره هخامنشی از اهمیت خاصی برخوردار است (پورحقانی، ۱۳۷۷، ص. ۴۱). بیشترین کاربرد این نقش مایه از آن مهرها و گل مهرهای ساسانی و در موارد نادر، ظروف است. در جامی با نقش خسرو اول موجود در تالار مدال‌های کتابخانه ملی پاریس، تصویر اسب بالدار به عنوان پایه تخت شاه نقش بسته است (تصویر ۱۲). برخی بر آن عقیده‌اند که اسب بالدار می‌تواند با اسب اساطیری که آتش را به آذرگشنسب آورد، مرتبط باشد (Bivar, 1969, P. 26)، از سویی احتمال آن را می‌دهند که شاید این نقش، نشان و علامت جایگاه آذرگشنسب باشد که در بین مهرها و اثر مهرها از همه فراوان‌تر است. گوئل (۱۳۸۴، ص. ۶۴) نام پگاسوس را برای این اسبان بالدار مناسب نمی‌داند و عقیده دارد نام اسطوره بومی یونانی برای این نقش مایه مناسب نیست.



تصویر ۱۲: جام خسرو یکم، کتابخانه ملی پاریس (گیرشمن، ۱۳۹۰، ص. ۲۰۵)

تصویر اسب بالدار در کنار نقوش مرتبط با ایزدان ساسانی از جمله مهر و آتش نیز آمده است که از آن جمله می‌توان به مَه‌ری با نقش ایزد مهر و اسبان بالدار که وظیفه حمل او را بر عهده دارند، اشاره کرد (تصویر ۱۳). نقوش این مهر، توصیف مهر در مهر یشت را در ذهن تداعی می‌کند.



تصویر ۱۳: مهر ساسانی، نقش ایزد مهر و اسبان بالدار (گیرشمن، ۱۳۹۰، ص. ۲۴۳)

در دوران ساسانی بال‌وپر نشان فرّ ایزدی است و وجود آن بر روی حیوانی مقدس همچون اسب حائز اهمیت است. در بیشتر مهرهای ساسانی منقوش به اسب بالدار، سواری دیده نمی‌شود و اغلب این حیوان جز موارد بسیار محدود تنها و بدون نقش همراه حیوانی دیگر به تصویر کشیده شده است. به عقیده برخی نبودن نقش سوار بر اسب بالدار مربوط به تقدس این حیوان است که بال آن نمادی از عالم ایزدان و سوار بودن بر این نماد نوعی هتک حرمت محسوب می‌شده است. برخلاف فرهنگ و اندیشه یونانی که اسب بالدار را موجودی واقعی و از نسل خدایان می‌داند، در دوران ساسانی جنبه اساطیری و ماورائی این حیوان پررنگ‌تر است (کازمی‌اسفه و دیگران، ۱۴۰۰، صص. ۱۷۸-۱۷۹).
نقش اسب بالدار بر مهرهای ساسانی اغلب با یک پای جلویی افراشته و در تعداد کمی از آنها بر روی چهارپا نشان داده شده است. این در حالی است که در هنر یونانی-رومی و سکه‌های برنز اشکانی، اسب بالدار در حالت چهارنعل و یا در حالت پرواز دیده می‌شود (Brunner, 1978, P. 82). بال‌ها در مهرهای ساسانی، به صورت باز با انتهای خمیده‌اند که این سبک آنها را از همتای غربی خود متمایز می‌کند. گاهی یک بال به نمایش درآمده است و گاهی دو بال که یکی از جلوی سینه اسب و دیگری از انتهای پای جلویی بیرون می‌آید. خمیدگی انتهای بال‌ها در هنر ساسانی از قرن سوم میلادی و در تمام دوره رایج بوده است. دم اسبان نیز به دو صورت است: آزاد و یا چسبیده به بدن که اندکی از آن بیرون زده است (Harper, 1973, P. 88). در برخی موارد انتخاب نقوش مهر مستقیماً با وظیفه صاحب

نمادشناسی اسب بالدار در ایران باستان (مطالعه موردی: مهری از موزه بوعلی سینای همدان) ۱۲۳

آن مرتبط بوده است؛ مانند شمایل‌نگاری یک سوارکار زره‌پوش که تنها بر روی مهرهای سپاهبدان آمده یا نقش اسب بالدار که مهر اسب‌بند (فرمانده سوار نظام) است. لازم به ذکر است که نقش‌مایه اسب بالدار تنها منحصر به مهرهای اسب‌بند نبوده است و مغان و احتمالاً سایر افراد نیز از آن استفاده می‌کردند. با توجه به آنکه فرهاد از خاندان کارن نقش اسب بالدار را برای مهر خود برگزیده و پیروز از خاندان وراز (وراز=گراز) نقش گرازی را انتخاب کرده است، می‌توان اینگونه استنباط کرد که هر یک از خاندان‌های بزرگ ساسانی نقشی ویژه را برای خود بر می‌گزیدند که از آن میان احتمالاً نقش اسب بالدار، نشانی برای معرفی خاندان کارن بوده است (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۴: اثر مهر، سمت راست و - شاپور، اسب‌بند پارسی؛ وسط داد-برز مهر (پناه به برزین-مهر)، اسب‌بند پارتی؛ سمت چپ فرهاد، (از خاندان) کارن پهلوی (پارتی) (Gyselen, 2007, P. 284).

مهر موزه بوعلی همدان

مهر مورد مطالعه در این پژوهش، مهری با شماره ثبتی ۴۶۴۳ از جنس عقیق سلیمانی به قطر ۱۹ میلی‌متر و ارتفاع ۱۵ میلی‌متر و وزن ۷٫۹ گرم است (تصویر ۱۵). نقش روی مهر، اسب بالدار، رو به سمت چپ است که دو بال یکی از جلوی سینه و دیگری از پشت آن بیرون آمده و انتهای بال مانند مهرهای ساسانی دیگر خمیده است. بر خلاف غالب تصاویر مهرها، که یک پای اسب برافراشته است، در این تصویر اسب بر روی چهار پا ایستاده است. انتهای دم اسب کاکل مانند است.

در بالای یال اسب نقش هلال ماه و سمت راست زیر بال نقش ستاره قابل مشاهده است. پیوستگی تصویر ماه و ستاره در مهرهای ساسانی بسیار پر بسامد است. ماه خنکی و باران را به همراه دارد و عامل ریزش باران و از سویی در ارتباط با باروری است. ارتباط ماه و حیوانات در ادبیات ساسانی با

حکایت گاو یکتا آفریده در اسطوره آفرینش بی‌ارتباط نیست. گاو یکتا آفریده در جریان حمله اهریمن و نیروهای شرش کشته شد، اما پس از آن پنجاه‌وپنج نوع بذر و دوازده نوع گیاه دارویی از اندام‌های او به وجود آمد، نطفه گاو به ماه برده و پالوده شد و از آن نخستین جفت گاو و سپس سایر نمونه حیوانات ایجاد شدند (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۲، ص. ۱۴۲؛ دادور و منصوری، ۱۳۸۵، ص. ۵۵).

نگاره ستاره و ماه در اکثر مهرهای ساسانی در کنار نقش مایه اصلی مهر حک شده‌است و در مهر مورد مطالعه این پژوهش به صورت جداگانه، هلال ماه در بالای تصویر اسب بالدار، و ستاره در زیر یکی از بال‌ها، آمده‌است. همراهی ستاره و هلال ماه در هنر ساسانی حائز اهمیت و دارای مفاهیم دینی، اساطیری و کیهانی است. ستاره نماد ستاره زهره یا ناهید است. در *اوستا* نام چهار ستاره «سدویس»، «پروین»، «هفت اورنگ» و «وند» در کنار ایزد تیشتر آمده که خود سرور ستارگان است و دیو خشکسالی را شکست می‌دهد (دوستخواه، ۱۳۸۶، صص. ۳۲۴ و ۳۲۹). نماد ماه و ستاره در دوران قبل از ساسانی هم کاربرد داشت در دوره اشکانی روی سکه‌ها و کلاه مهرداد دوم نیز دیده می‌شود. در دوره ساسانی نیز ماه و ستاره به همراه هلالی بر روی سکه‌ها ظاهر شدند. همچنین از زمان یزدگرد یکم هلال ماه عنصری دائمی روی تاج‌های پادشاه بود. این نماد همچنین در ظروف نقره و صخره نگاره‌ها نیز آمده است. تکرار سمبل ماه و ستاره و خورشید در هنر ساسانی نشان از اهمیت آنها از لحاظ جنبه‌های کیهانی در فرهنگ ایرانی دارد (دوستخواه، ۱۳۸۶؛ Brunner, 1978, P. 128). با توجه به کتیبه حک شده روی مهر، می‌توان حس زد که آن مهر به یک موبد تعلق دارد.

با توجه به پیچیدگی‌هایی که در خط پهلوی وجود دارد، می‌توانیم خوانش‌های زیر را برای آن در نظر بگیریم:



۱- چنانچه شروع کتیبه را در ساعت ۲ در نظر بگیریم، نخستین واژه آن، *Ārzōg*: «آرزوگ/ آرزو»، از اسامی خاص مذکر در دوره ساسانی است (Gignoux, 1986, P. 48; Yamauchi, 1993, P. 3). دو نویسه بعدی " **𐬀𐬎** " را به دو صورت می‌توان تفسیر کرد: ۱- واژه‌ای مجزا در نظر بگیریم در آن صورت، آخرین نویسه واژه *Ārzōg* یعنی "g" را "b" در نظر می‌گیریم که با حرف نویسی bg با خوانش bay در مفهوم "سرور" و "خداوند" در زبان فارسی میانه به کار رفته است (Mackenzie, 1971, P. 100).

نمادشناسی اسب بالدار در ایران باستان (مطالعه موردی: مَهْری از موزه بوعلی‌سینای همدان) ۱۲۵

(17, P. 1986)، آنگاه این دو واژه را همراه هم Arzō(g)- bay : rgw در مفهوم "آرزو-بی (سرور)" خواهیم داشت. کاربرد واژه bay:bg در اسامی دوره ساسانی به صورت پسوند و میانوند معمول بوده است. «bāb- bay» (Yamauchi, 1993, P. 11) و «mār-bay-ādur» (Gignoux, 1986, P. 116) نمونه‌هایی از کاربرد bay به عنوان پسوند و میانوند در زبان پهلوی است.

واژه بعدی mgw با آوانویسی magu یا mōγ ، در فارسی نو «مغ» خوانده می‌شود. تفسیر حضور نویسه "𐭌" قبل از "t" به دو روش امکان پذیر است:
(۱) برای نشان دادن "y" کسره اضافی که در چنین حالتی نویسه "t" می‌تواند نخستین حرف از واژه احتمالی بعدی باشد.

(۲) برای نشان دادن نویسه "b" که شاید نویسه "b" جایگزین "p" شده باشد که در این صورت می‌توان احتمال داد این مهر به دستور موبدی بعد از دوره ساسانیان و در سده نخست اسلامی ساخته شده باشد. با این توصیف در نگارش این واژه تلفظ آن مد نظر قرار گرفته و به جای "p" در mgwpt که آوانویسی آن mowbed می‌شود؛ نویسه "b" به کار رفته است یعنی به صورت mgwbt نوشته شده است. واژه "mowbed" در پهلوی به مفهوم دین‌مرد ساسانی یعنی موبد است پسوند -bed که پسوندی پر بسامد در متون پهلوی است به صورت -pt حرف‌نویسی و -bed آوانویسی می‌شود. در پایین پای اسب کتیبه‌ای حک شده است که تشخیص آن بسیار دشوار است و تنها آثاری به صورت



محو دیده می‌شود. ابتدای آن شاید p... باشد که آخر آن به n ختم می‌شود. نویسه‌های "n" در پهلوی "ān" خوانده می‌شود و پسوند نسبت است. همچنین اگر نویسه t را ابتدای این واژه در نظر بگیریم شاید بتوان t'p... با آوانویسی tāb... را برای آن در نظر گرفت. که ابتدای اسم خاص باید باشد.

بنابراین خوانش کتیبه مهر می‌تواند به دو صورت زیر باشد:

حرف نویسی	آوانویسی	ترجمه
'rzwg Y mgw Y t'pn... 'n	Ārzōg ī magu/ mōγ ī tāb...ān	۱ آرزوی مغ فرزند تاب...
'rzw bg mgw bt 'pn... 'n:	Ārzō(g)- bay mowbed āb(ā)n...ān	۲ آرزو-بی (سرور) موبد فرزند آبان...

به هر حال با توجه به ناخوانا بودن کتیبه در زیر پای اسب خوانش‌های فوق تنها در حد حدس باقی می‌ماند.



تصویر ۱۵: اسب بالداری دوره ساسانی، موزه بوعلی همدان (عکاس آقای سیدی تبار)

نتیجه‌گیری

حضور عنصر اسب در همه جای تاریخ هنر و ادبیات ایران از سنگ‌نبشته‌های شاهان هخامنشی گرفته تا مهرهای دوران ساسانی نشان از اهمیت والای این حیوان در میان ایرانیان دارد. گذاشتن بال بر روی نقوش به جامانده از ایران باستان، از نقش آن بر تصویر بدن انسان گرفته تا نقشش بر تصاویر مربوط به حیوانات، به نوعی نشان دادن نمادهای ایزدی و اختلاط با ویژگی‌های ایزدان کاربرد داشته است. بومیان نجد ایران آنچنان که در ایلام و میانرودان رایج بوده است، نقش‌مایه حیوانات بالداری را روی اشیایی که با شخص در گذشته دفن می‌شدند، استفاده نمی‌کردند. ظاهراً استفاده از نقش موجودات بالداری بر این اشیاء برای بیان حیات بعد از مرگ، هنگام ورود آریاییان به فلات ایران، به این سرزمین راه یافت. کهن‌ترین اشیاء منقوش به تصویر اسب بالداری در ایران، سفال سیلک مربوط به قرن ۱۰-۹ ق.م. و سپس لگام‌های مفرغی اسب لرستان مربوط به قرن ۸ تا ۷ ق.م. است. بعدها در

نمادشناسی اسب بالدار در ایران باستان (مطالعه موردی: مهری از موزه بوعلی سینای همدان) ۱۲۷

زمان هخامنشیان، اسب بالدار بر روی سکه‌های ساتراپ ایونیه و لیدیه و روی تعداد کمی از گل‌مهرها دیده شده است. با کشف کهن‌ترین اثر منقوش به اسب بالدار بر سفالی بدست آمده از این تپه، می‌توان نتیجه گرفت که این نقش در سرزمین ایران نسبت به تمدن‌های هند، یونان و روم از قدمت بیشتری برخوردار بوده است.

اسب بالدار در *اوستا*، مرکب ایزدانی همچون مهر و سروش و تجسمی از ایزدان بهرام و تیشتر بوده است. با توجه به اهمیت دین زردشتی در زمان ساسانیان، نمادها و نشانه‌های زیادی در ارتباط با مفاهیم دینی در آثار هنری به کار رفته که یکی از آنها نقش مایه اسب بالدار بر روی مهرهای ساسانی است. با بررسی مفهوم کتیبه‌های مهرهای ساسانی ارتباط اسب بالدار و مفاهیم دینی-اساطیری دوره ساسانی بیشتر آشکار می‌شود. به عنوان نمونه کاربرد واژه «موید» در کتیبه مهر مورد مطالعه در این مقاله خود حاکی از آن است که مهر متعلق به یکی از دین‌مردان ساسانی بوده است. حتی در مهرهای متعلق به اسب‌بد، ارتباط نقش اسب بالدار با ایزد بهرام به عنوان ایزد پیروزی به میان می‌آید. در این مهر حضور نقوش هلال ماه و ستاره نیز حائز اهمیت است. استفاده از نقش هلال ماه در این مهر، مفهوم ارتباطش با ستوران و جانوران را تداعی می‌کند که حافظ نطفه آنان است. در *اوستا* «ماه یشت» به ماه تعلق دارد. نقش ستاره در کنار اسب بالدار نیز دارای مضمون اساطیری و کیهانی است. در *اوستا* از چهار ستاره در کنار ایزد تیشتر، سرور ستارگان، که یکی از تجسم‌های اسب سپید بالدار است، نام برده شده است. همراهی ماه و ستاره به نوعی بر ارتباط اسب بالدار با مفاهیم دینی، اساطیری و کیهانی تأکید دارد.

کتابنامه

آکرمن، ف. (۱۳۸۷). مهرهای ساسانی. *سیری در هنر ایران: از دوران پیش از تاریخ تا امروز* (زیر نظر آ. پوپ و ف. آکرمن؛ ترجمه ن. نوروززاده چگینی؛ ج. ۲، صص. ۹۷۷-۱۰۱۲). علمی و فرهنگی.

آموزگار، ژ. و تفضلی، ا. (۱۳۷۲). *اسطوره زندگی زردشت*. نشر چشمه.
اختصاصی، م. و خانمرادی، ا. (۱۴۰۰). *مهرهای ایران در دوران تاریخی (از برآمدن هخامنشیان تا فروپاشی ساسانیان)*. پازینه.

۱۲۸ دو فصل‌نامه علمی پژوهشی *نامه فرهنگ و زبان‌های باستانی* سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

اسمیت، ژ. (۱۳۸۴). *فرهنگ اساطیر ایران و روم* (ترجمه ش. برادران خسرو شاهی). روزبهان. پورحقانی، م. ر. (۱۳۷۷). *روح بالدار، پژوهشی در اندیشه زندگی پس از مرگ در ایران باستان*. ضریح. جابز، گ. (۱۳۷۰). *سمیل‌ها، کتاب اول جانوران* (ترجمه م. ر. بقاپور). مترجم. دادور، ا. و مبینی، م. (۱۳۸۸). *جانوران ترکیبی در هنر ایران باستان*. دانشگاه الزهرا. دادور، ا. و منصوری، ا. (۱۳۸۵). *درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان*. دانشگاه الزهرا و کلهر.

دریایی، ت. (۱۴۰۰). *اسب‌های بالدار. بخارا، ۲۶ (۱۴۷)، ۱۷۹-۱۸۹*.

دوستخواه، ج. (مترجم). (۱۳۸۶). *اوستا* (ج. ۱). مروارید.

رستگار فسایی، م. (۱۳۸۳). *پیکرگردانی در اساطیر*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

قلی‌زاده، خ. (۱۳۹۲). *دانشنامه اساطیری جانوران و اصطلاحات وابسته*. کتاب پارسه.

کاظمی اسفه، پ.؛ ظاهری عبدوند، آ. و منشی‌زاده، م. (۱۴۰۰). *پژوهشی در ادب فارسی: تداوم*

توصیفات اسب در نظم فارسی بر اساس نقش مهرهای ساسانی (از مجموعه محسن فروغی).

متن پژوهی ادبی، ۲۵ (۹۰)، ۱۸۷-۱۶۲.

doi: <https://doi.org/10.22054/ltr.2020.53501.3096>

گوبل، ر. (۱۳۸۴). *گل‌مهرهای تخت سلیمان؛ جستاری در مهرشناسی اواخر دوره ساسانی* (ترجمه

ف. نجد سمیعی). سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و پایگاه پژوهشی تخت سلیمان.

گیرشمن، ر. (۱۳۹۰ الف). *هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی* (ترجمه ع. بهنام). بنگاه ترجمه و نشر

کتاب.

گیرشمن، ر. (۱۳۹۰ ب). *هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی* (ترجمه ب. فروشی). بنگاه ترجمه و

نشر کتاب.

موسوی کوهپیر، م.؛ نوید، س. و نیستانی، ج. (۱۳۹۲). *نشانه‌های برهم کنش فرهنگی میان ایران و روم*

در ظروف سیمین دوره ساسانی. *جامعه‌شناسی تاریخی*، ۵ (۲)، ۱۷۱-۱۸۳.

URL: <http://jhs.modares.ac.ir/article-25-11311-fa.html>

نیکنامی، ک.؛ قاسمی، ر. و رضایی، ر. (۱۳۹۴). *مطالعه و تحلیل گونه شناختی اثر مهرهای دوره سلوکی*.

پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۵ (۹)، ۱۴۵-۱۶۹.

نمادشناسی اسب بالدار در ایران باستان (مطالعه موردی: مَهْری از موزه بوعلی سینای همدان) ۱۲۹

هال، ج. (۱۳۹۰). فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب (ترجمه ر. بهزادی؛ ج. ۵). فرهنگ معاصر.

- Ackerman, Ph. (2017). Sasanian Seals (N. Norouzzade Chegini, Trans.). In A. U. Pope & Ph. Ackerman (Eds.). *A Survey of Persian art* (Vol. 2; pp. 977-1012). Elmi va Farhangi. (Original work published 1964) [In Persian]
- Amouzegar, Zh. & Tafazzoli, A. (1993). *The Myth of Zoroaster's Life*. Cheshmeh Publication. [In Persian]
- Bartholomae, Ch. (1961). *Altiranische Wörterbuch*. Berlin.
- Bivar, A. D. H. (1969). *Catalogue of the Western Asiatic seals in the British Museum, Stamp Seals, II: The Sasanian Dynasty*. British Museum.
- Brunner, Ch. J. (1978). *Sasanian stamp seals in the Metropolitan Museum of Art*. The Metropolitan Museum of Art.
- Cooper, J.C. (1987). *An Illustrated Eycyclopaedia of Traditional Symbols*. Thames and Hudson Ltd.
- Dadvar, A & Mansouri, E. (2006). *An Introduction to the Myths and Symbols of Iran and India in the Ancient Testament*. Alzahra University; Kalhor University. [In Persian]
- Dadvar, A. & Mobini, M. (2018). *Hybrid animals in ancient Iranian art*. Al-Zahra University. [In Persian]
- Daly, K.N. (2009). *Greek and Roman Mythology A to Z*. Chelsea house.
- Daryaei, T. (2021). Winged Horses. *Bukhara*, 26(147). 179-189. [In Persian]
- Dixon Kennedy, M. (2011). *Encyclopaedia of Iranian and Roman mythology* (R. Behzadi, Trans.). Tahori. [In Persian]
- Doustkhah, J. (Trans.). (2016). *Avesta* (Vol.1). Morvarid. [In Persian]
- Ekhtesasi, M. & Khanmoradi, A. (2021). *Seals of Iran in the historical period (from the rise of the Achaemenids to the collapse of the Sassanids)*. Pazineh. [In Persian]
- Fekripour, K. (2016). The Hybrid Creatures in Iranian and Indian Art. *Indian Journal of History of Science*, 51(4), 585-591. Doi: 10.16943/ijhs/ 2016/v51/i4/41235
- Garrison, M.B. & Cool Root, M. (2001). *Seals on the Persepolis Fortification Tablets*. Oriental Institute Publications 117.

- Ghirshman, R. (1976). Terrasses sacrées de Bard-e Néchandeh et Masjid-i Soleiman, *Mémoires de la Délégation archéologique française en Iran* 45; Paris.
- Ghirshman, R. (2011 a.). *Iranian art during the Median and Achaemenid periods* (I. Behnam, Trans.). Nashre Ketab. (Original work published 1992) [In Persian]
- Ghirshman, R. (2011 b.). *Iranian art during the Parthian and Sasanian eras* (B. Fravashi, Trans.). Nashre Ketab. (Original work published 1962) [In Persian]
- Gholizadeh, Kh. (2013). *Encyclopedia of mythological animals and related terminology*. Ketabe Parseh. [In Persian]
- Gignoux, Ph. (1986). *Iranisches personennamenbuch band II, mitteliranische personennamen, faszikel 2. österreichischen akademie der wissenschaften*.
- Gignoux, Ph. & Gyselen, R. (1982). *Sceaux Sasanides de diverses collections privies*. Éditions Peeters.
- Gignoux, Ph. & Gyselen, R. (1987). *Bulles et sceaux sassanides de diverses collections*. Association Pour L'avancement des Etudes Iraniennes.
- Göbl, R. (1976). *Dietonbullen vomtacht- E- Suleiman: ein beitrag zur spastanidschen sphragistik* (F. Najd Samii, Trans.). Cultural Heritage and Tourism Organization and Takht Suleiman Research Base. (Original work published 1976) [In Persian]
- Gyselen, R. (2007). *Sasanian Seals and Sealings in the A.Saeedi Collection, Acta Iranica 44*. Peeters.
- Hall, J. (2011). *Illustrated dictionary of symbols in Eastern and Western art* (R. Behzadi, Trans.; 5th ed.). Farhang-e Moaser. (Original work published 1995) [In Persian]
- Harper, P. O. (1973). Representational Motifs on the Sealings. In R. N. Frye, (Ed.). *Sasanian Remains from Qasr-i Abu Nasr* (pp. 66-87). Harvard University Press.
- Horn, p. & Steindorff, G. (1891). *Sassanidische siegelsteine*. W. Spemann.
- Kazemi Asfeh, P., Zaheri Abdvand, A. and Monshizadeh, M. (2021). A Research in Persian Literature: Continuity of Horse Descriptions in Persian Poetry based on the Role of Sasanian Seals (from Mohsen Foroughi

نمادشناسی اسب بالدار در ایران باستان (مطالعه موردی: مهری از موزه بوعلی سینای همدان) ۱۳۱

- Collection). *Literary Text Research*, 25(90), 161-187. doi: 10.22054/tr.2020.53501.3096 [In Persian]
- Mackenzie, D. N. (1986). *A Concise Pahlavi Dictionary*. Oxford University Press.
- Maghub, A. (2018). Political and Religious Ideologies on Parthian Coins of 2nd - 1st Centuries B.C. [Ph.D. Thesis]. SOAS university of London.
- MusaviKohpar, M.; Navid, S. & Neyestani, J. (2014). Signs of Cultural Interaction between Iran and the West on Sasanid silverworks. *Journal of Historical Sociology*, 5(2), 171-183. URL: <http://jhs.modares.ac.ir/article-25-11311-fa.html> [In Persian]
- Niknami, K.; Ghasemi, R. & Rezaee, R. (2016). Study and Typology Analysis of Motifs of Seal Impression of Seleucid Period. *Pazhoohesh-ha-ye Bastanshenasi Iran*, 5(9), 145-162.
- Pourhaqani, M. R. (1998). *The Winged Soul, a research on the idea of life after death in ancient Iran*. Zarih. [In Persian]
- Rastegar Fasaee, M. (2013). *Peikargardani dar Asatir*. Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Roman, L., & Roman, M. (2010). *Encyclopedia of Greek and Roman Mythology*. Facts on File Inc.
- Schmidt, J. (2014). *Dictionary of Greek and Roman mythology* (Sh. Baradaran & Kh. Shahi, Trans.). Rouzbehan. (Original work published 1965) [In Persian]
- Yamauchi, K. (1993). *The Vocabulary of Sasanian Seals*. *Studia Culturae Islamicae*.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی